



هدهد سبا، استعاره‌ای برای رهبری تحول

WWW.SABAMCG.COM

فصل هفتم



روایت است که حضرت سلیمان روزی از روی سوراخ کوچکی که در بالای سر او به وجود آمده بود متوجه غیبت هدهد شد و علت این غیبت بدون اجازه را پرسید و خواست تا دلیل موجهی برای این غیبت بشنود. آن هنگام بود که هدهد خبری از سرزمین سبا داد که ملکه‌ای به نام بلقیس بر آن حکومت می‌کرد و مردمان آن سرزمین به جای خدا، خورشید را می‌پرستیدند. در نتیجه، هدهد سبب آشنایی ملکه بلقیس و حضرت سلیمان و یکتاپرستی او و مردمان سرزمین سبا شد.

هدهد در متون مختلف ادبی و عرفانی، نقش‌های مختلفی دارد. اگر از مطالب فرهنگنامه‌ها، کتاب‌های پرنده‌شناسی و افسانه‌هایی که در جامعه رایج است بگذریم، برجسته‌ترین نمود این پرنده را در داستان سلیمان و در منطق الطیر عطار می‌بینیم. هدهد در «منطق الطیر»، یک استعاره برای راهبری و پیکی است که ما را وادی به وادی جلو می‌برد. خط اصلی منطق الطیر، روایت «چند» و «چون» پرواز مرغان به سوی سیمرغ است.

منطق الطیر منظومی از عطار نیشابوری در ۴۶۹۶ بیت است. این کتاب از یک سو ریشه در رساله الطیر ابن سینا و غزالی دارد و از دیگر سو الگوی مناسبی برای بزرگانی چون مولوی و جامی است.

عطار در این کتاب حکایاتی جذاب را بیان می‌کند؛ حکایاتی که اگر چه بعضی از آنها در افواه مردم بوده یا در کتب گذشتگان مکتوب است اما به وسیله عطار بازآفرینی شده و با حذف یا اضافه‌ای مختصر در مسیر انتقال مفهوم قرار می‌گیرد. نام کتاب نیز متأثر از اندیشه‌های عرفانی و برگرفته از آیه ۱۶ سوره مبارکه نمل است. اما داستان از چه قرار است؟



پرنندگان جمع شده و به این نتیجه می‌رسند که همه حیوانات پادشاهی دارند به غیر از پرنندگان و جهت یافتن پادشاه مرغان یعنی سیمرغ باید دست به کار شوند. در این بین یکی از پرنندگان نامی منطق الطیر به نام هدهد وارد ماجرا می‌شود؛ هدهدی که پیردانای پرنندگان است. هدهد پرنده‌ای است که تلاش می‌کند تا دیگران پرنندگان را به حقیقت وجودی خودشان سوق دهد.

هدهد آشفته دل پیرانتظار

حله‌ای بود از طریقت در برش

تیزوهمی بود در راه آمده

گفت ای مرغان منم بی هیچ ریب

هم ز هر حضرت خبردار آمدم

آنک بسم الله در منقار یافت

در میان جمع آمد بی‌قرار

افسری بود از حقیقت بر سرش

از بد و از نیک آگاه آمده

هم برید حضرت و هم پیک غیب

هم ز فطنت صاحب اسرارآمدم

دور نبود گر بسی اسرار یافت





در ادامه هدهد در مجمع مرغان به ریاضت‌ها و سیر و سفرهایی که داشته است اشاره می‌کند تا همگان مطمئن شوند که هدهد بسیار با تجربه و عالم است:

وادی و کوه و بیابان رفته‌ام
عالمی در عهد طوفان رفته‌ام
با سلیمان در سفرها بوده‌ام
عرصه عالم بسی پیموده‌ام
پادشاه خویش را دانسته‌ام
چون روم تنها چو نتوانسته‌ام
لیک با من گر شما هم‌ره شوید
محرم آن شاه و آن درگه شوید



هدهد در این قسمت بطور صریح به مرغان می‌گوید که شما درگیر بندهایی هستید که تا از آن رها نشوید به سرزمین قاف و دیدار سیمرغ نائل نخواهید شد. مرغان با هدایت هدهد برای سفر آماده می‌شوند:

ابتدا دره **تحقیق** شدند، یعنی ضمن اینکه داوطلب هدف مورد بحث بودند سعی کردند راه صحیح را پیدا کنند و با استقامت به سیر در آن راه ادامه دهند. بسیاری از پرندگان به خاطر سختی راه و رنج محنت از ادامه سفر خودداری کردند.

بقیه وارد دره دوم **عشق** شدند و چون مجبور بودند که برای خود و معشوق متحمل مصیبت جفا و فداکاری شوند و از آنجاییکه در این راه عشق از عقل پیروی نمی‌کند، عده دیگری نیز از گروه خارج شدند؛ ولی عاشقان حقیقت به مرحله سوم یعنی **کسب دانش** وارد شدند و از موهبت الهی و الهام مستفیض شدند.

پرندگانی که موفق شدند به مرحله چهارم یعنی **بی‌اعتنایی** به وابستگی‌های دنیوی وارد شوند نه تنها نعمت‌های الهی سبب آلودگی و ناسپاسی آنان نمی‌شد، بلکه از مصائب و خسارت مالی نیز متاثر نمی‌شدند. بدین ترتیب در این حالت وارد مرحله پنجم یعنی **وحدت** شدند و اختلافات ظاهری و مادی مانند کیفیت و کمیت و رنگ و... مورد نظر آنها نبود.

سپس بعضی از پرندگان که هنوز سیراب نشده بودند با سعی و تلاش به مرحله ششم رسیدند؛ یعنی **وادی حیرت** و حیران ماندند. در اینجا بحثی راجع به به من و تو نبود بطوریکه حتی فراموش کردند که کیستند و عاشق چیستند؟ حتی دین و مسلک خود راه هم فراموش کردند. آن‌ها فقط به معشوق خود دلبستگی داشتند و در باره مسائلی که در رسیدن به محبوب تاثیر نداشت کورو کرو لال شدند و از لحاظ معنوی و روحی مجذوب معشوق خود و مانند یک مرغ واحد شدند. **(فناء)**

در نهایت سی مرغ به انتهای مسیر رسیدند. انتهای مسیری جایی نبود جز آنجا که مرغان به حقیقت پی بردند که سیمرغ درون آن‌هاست و آن‌ها خود سی مرغ هستند.

خویش را دیدند سیمرغ تمام

بود خود سیمرغ سی مرغ مدام



ما همبال روزی هستیم که سازمان‌ها و افراد بالاترین سطح خود شکوفایی را تجربه و به بهترین نسخه خود تبدیل شده و آن را حفظ کنند.

بزرگترین دغدغه مدیرانی که قرار است سازمان خود را از خوب به عالی تبدیل کنند چالش‌هایی است که راه حل آن‌ها درون سازمان وجود دارد و ما اعتقاد داریم که با رشد و بالندگی افراد و همچنین بلوغ سازوکارهای سازمانی، سازمان می‌آموزد چگونه با آن‌ها روبرو شده و مسیر تبدیل شدن به بهترین نسخه خود را طی نماید. سبا در این مسیر همبال مدیران ارشدی است که برای ایجاد بهبودهای متمایز، پایدار و اساسی در عملکرد خود در تلاش بوده و آرزو دارند سازمانی عالی داشته باشند، سازمانی که بتواند ضمن جذب افراد استثنایی، آن‌ها را مشتاق و حفظ نماید. سبا بر این باور است که سازمان‌های زیادی استحقاق رسیدن به این ظرفیت را دارند.



بود خود سیمرغ سی مرغ مدام

WWW.SABAMCG.COM

خویش را دیدند سیمرغ تمام

آدرس دفتر: تهران، خیابان جمال‌الدین
اسدآبادی (یوسف آباد)، بین خیابان
دهم و دوازدهم، پلاک ۹۴، واحد ۱۸

SABAMCG.COM

INFO@SABAMCG.COM

۰۲۱-۸۸۴۸۰۵۶۱

با تشکر از توجه شما
فصل‌های بعدی و قبلی مدل را از وب سایت ما دانلود کنید

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت